

اتحاد هرمزو باب المندب عليه اقتصاد امريكا

انصارالله اکنون باب‌المندب را به ابزار فشاری اقتصادی علیه ائتلاف مهاجم بدل کرده است. در این میان، نقش ایران در تنگه هرمز اهمیتی دوچندان یافته است. شیوه مواجهه ایران با رفت‌وآمدها در تنگه هرمز، به‌ویژه از اکنون تا روز انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، نقشی تعیین‌کننده در روند جنگ خواهد داشت. به‌بازر بسیاری از تحلیل‌گران، اگر ایران همچنان اهرم تنگه هرمز را حفظ کند و فشار اقتصادی بر واشینگتن را ادامه دهد، احتمال شکست ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای افزایش خواهد یافت و با این شکست، بستر پایان جنگ مهیاتر می‌شود. در مقابل، اگر ایران این اهرم راهبردی را از دست بدهد، بخت پیروزی ترامپ در انتخابات پیش‌رو پررنگ‌تر خواهد شد و او با پشتوانه سیاسی بالاتری فشارهای نظامی و اقتصادی را در دو سال باقی‌مانده از دوره ریاست‌جمهوری‌اش علیه ایران پی خواهد گرفت.



3



خیابان تمام نمی شود

نوشتاری از مهدی جمشیدی پژوهشگر انقلاب اسلامی درباره حماسه ۲۰۰ شب تجمعات شبانه مردمی



قائم‌پناه مدعی شد با آزادسازی قیمت سوخت می‌توان به هر ایرانی ۷ میلیون تومان یارانه داد!

گاف ۹۰۰ درصدی

2

چرا اقدام سالترا در مسئله تنظيم گري درست و موجه است؟

پلتفرم‌ها و ادامه بازی دوسر باخت «بدیم بره» فرهنگی

人

شیدا

فیلمنت

نما ۱۹

فيليمو 

اعتراف اسرائیلی به یک شکست ژئوپلیتیکی

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

کانال ۱۴ رژیم صهیونیستی در تحلیلی مدعی شده است: «تحولات یمن بار دیگر قدرت ایران و ضعف عربستان با آن همه ثروت را به نمایش گذاشت» و در ادامه از شکل‌گیری یک «حرکت گازانبری» و به دست آمدن «اهرم قدرت دیگری به نام باب‌المنذب» برای ایران سخن گفته است. همین ادبیات نشان می‌دهد مسئله از نگاه تل‌آویو صرفاً بحران یمن نیست؛ مسئله، ارزش راهبردی یک گلوگاه دریایی است.

متن کامل در صفحه ۷

صفحة ٣

سیاسی

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

آغاز آموزش هزارگردان جانفدا

آموزش‌ها در سه سطح مقدماتی، تکمیلی و پیشرفته برگزار می‌شود و تمام پروتکل‌های نیروهای مسلح در آن رعایت خواهد شد بستر آموزش، جامعه بسیج است و محتواها توسط سازمان بسیج تأیید و از ظرفیت آموزشی همه نیروهای مسلح استفاده می‌شود.

کشور را معطل یی‌شنه‌ادهای عمان نکنید!

آیا طرح‌های پیشنهادی برای بین‌المللی‌سازی یا تعدیل سازوکارهای نظارتی در تنگه هرمز، راهکاری برای کاهش تنش و ارتقای همکاری منطقه‌ای است، یا تله‌ای دیپلماتیک برای خلق یک مدرجی جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای اعمال حاکمیت بر شاه‌رگ انرژی جهان؟

معاون اجرایی پزشکيان مدعی شد با آزادسازی قیمت سوخت می‌توان به هر ایرانی ۷ میلیون تومان یارانه داد!

گاف ۹۰۰ درصدی

و محاسبه ۸۰ هزار تومان برای هر لیتر بنزین، چیزی حدود ۷۲۰ همت در سال درآمد خواهیم داشت. با این حساب می‌توان به هر ایرانی در ماه ۷ میلیون تومان یارانه دهیم. یعنی یک خانواده ۴ نفره می‌تواند ۲۸ میلیون تومان در ماه یارانه دریافت کند. مشکل هم حل میشد و چون نمی‌صرفید دیگر قاچاقی صورت نمی‌گرفت.

جعفر قائم‌پناه معاون اجرایی پزشکيان و چهره پرحاشیه دولت اخیراً در جریان بازدید از ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمار اشتباهی را از حساب و کتاب درباره آزادسازی نرخ سوخت و پرداخت معادل آن به مردم در قالب یارانه بیان کرد. او در این باره گفت: اگر ما قیمت گاز، گازوئیل، بنزین و برق کشور را به قیمت ارزان‌ترین کشور همسایه عرضه کنیم، به قیمت دلار ۱۷۰ هزار تومانی



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

این ادعای قائم‌پناه در حالی است که درآمد ۷۲۰ هزار میلیارد تومانی در سال معادل ماهانه ۶۰ هزار میلیارد تومان می‌شود که به هر ایرانی کمتر از ۷۰۰ هزار تومان یارانه نقدی خواهد رسید. سخنان قائم‌پناه، به نظر می‌رسد این نگرانی قابل توجه باشد که سرپرست نهاد ریاست جمهوری همین اعداد و ارقام و نتیجه‌گیری‌ها از آن را به رئیس دولت نیز ارائه داده و در نتیجه مبنای تصمیم‌گیری‌های کلان دولت قرار بگیرد. همچنانکه در همین سخنان اخیر نیز، خود قائم‌پناه تصریح دارد که حساب و کتاب اشتباه خود درباره افزایش قیمت سوخت و تأثیر آن بر یارانه مردم را نزد رئیس دولت نیز ارائه داده بود.

علاوه بر خود اشتباه آماری قائم‌پناه، نتیجه‌ای که او درباره میزان تورم ناشی از آزادسازی قیمت‌ها می‌گیرد

قابل توجه است. پیش از این دولت با حذف ارز ترجیحی، کالابرگ یک میلیون تومانی را مستقیم به مردم داد که حالا ارزش آن کمتر از ۶۰۰ هزار تومان است. طی ماه‌های گذشته بسیاری از صاحب‌نظران و نمایندگان مجلس در خصوص کاهش ارزش خرید کالابرگ ناشی از تورم هشدار داده و مطالبه افزایش رقم کالابرگ را مطرح کرده بودند. اتفاقی که مشخصاً عدم تدبیر دولت پیش از اجرای آن طرح را نشان می‌دهد. روز گذشته نیز وزیر امور اقتصادی و دارایی از افزایش ۳۰۰ هزار تومانی کالابرگ گفته است که با تورم فعلی، از هم‌اکنون ناکارآمدی آن پیدا است.

صحبت‌های اخیر قائم‌پناه تنها چند روز پس از افزایش دو برابری قیمت نرخ سوم بنزین موحی از نگرانی‌ها را در جامعه به دنبال داشت. قضاوت لایه‌های مختلفی از مردم از این سخنان، برنامه دوباره دولت برای افزایش قیمت بنزین و زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای این تصمیم بود.

ضمن اینکه روز گذشته مهاجرانی سخنگوی دولت نیز سخنانی در این خصوص بیان کرد. مهاجرانی با بیان اینکه امیدواریم نیازی به تغییر سهمیه‌های اول و دوم بنزین نداشته باشیم، تلویحاً از برنامه دوباره دولت برای مدیریت مصرف سوخت سخن گفت و تصریح کرد: تولید داخلی بنزین حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ میلیون لیتر در روز است، مصرف روزانه کشور حدود ۱۴۰ میلیون لیتر است و برای تأمین این اختلاف باید منابع واردات بنزین فراهم شود. دولت امیدوار است نیازی به تغییر سهمیه‌های اول و دوم بنزین نباشد.

در همین راستا، مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در واکنش به سخنان اخیر قائم‌پناه در توییتری با هشتگ جعفرول‌کن نوشت: بررسی میزان موفقیت ایشان در معاونت اجرایی دولت بجای خود، اما حقیقتاً باید از ایجاد هزینه با صحبت در مواردی که که سر رشته‌ای ندارد، منع شود.

خبر کوتاه

مخبر: نخبگان در برابر جریان ترس و یأس بایستند

محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام معظم رهبری، در دومین نشست از سلسله نشست‌های «ایران سکو» با محوریت شرکت‌ها و سکویهای دانش بنیان حوزه امنیت غذایی، با اشاره به ظرفیت نیروی انسانی و فناوری در کشور اظهار داشت: مسائل کشور فقط با منابع و امکانات حل نمی‌شود و آنچه می‌تواند این ظرفیت‌ها را به نتیجه برساند، حضور انسان‌های توانمند و مجموعه‌هایی است که مسئله را بشناسند و برای آن راه حل ارائه کنند. وی افزود: امروز دشمن در تمامی عرصه‌ها شکست خورده و این مرهون هماهنگی مردم، دولت و نیروهای مسلح کشور است. مخبر در پایان با اشاره به نقش نخبگان و فعالان فضای مجازی گفت: بخشی از مسئولیت شما این است که در برابر دو جریان ترس و یأس بایستید و اجازه ندهید چنین فضایی بر جامعه حاکم شود؛ باید نشان داد که مسائل کشور قابل حل است و برای هر مسئله می‌توان راه حل پیدا کرد.

انتقاد شریعتی از تعلل راهبردی ایران در موضوع NPT

مالک شریعتی نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به طرح چند ماه قبل خود برای تجدیدنظر در عضویت ایران در ان پی تی نوشت: ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ناشی از تعلل راهبردی ایران در موضوع NPT است. رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان هم با اشاره آمریکا از سفر به اجلاس سالانه آژانس در وین منع شد! دو نکته: طبق طرح آماده‌شده، خروج از NPT لزوماً معادل ساخت سلاح هسته‌ای نیست.

مخالفان طرح: بهانه دست دشمن ندهیم خب، چه می‌کنند که نکرده‌اند؟ چه خط قرمزی مانده است؟ شریعتی ۲۱ خرداد ماه گذشته در همین راستا نوشته بود: پس از قطعنامه اخیر ضد ایرانی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برخی دوستان از سرنوشت طرح سه فوریتی حمایت از حقوق هسته‌ای ملت ایران مشتمل بر خروج از NPT پرسیدند: پاسخ: طرح حدود ۳ ماه است در کار تا بل معاون قوانین مجلس است و هنوز برای امضا در معرض رویت نمایندگان قرار نگرفته است!

ابهام درباره ساختار معاونت مناطق محروم ریاست جمهوری

علی خضریان نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه موضوعی که حدود یک سال و نیم است مورد پیگیری قرار گرفته، نحوه تأسیس معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری است، گفت: اصل توسعه روستاها و مناطق محروم نه تنها مورد مخالفت هیچ‌کسی نیست، بلکه یک ضرورت جدی برای کشور است. لذا بحث بر سر اصل خدمت‌رسانی به مناطق محروم نیست؛ بحث بر سر مبنای قانونی ایجاد یک ساختار جدید است. عضو کمیسیون اصل نود مجلس افزود: وقتی قوانین و برنامه‌های توسعه‌ای کشور به ویژه برنامه هفتم بر محدودیت ایجاد سازمان‌ها و ساختارهای جدید و ضرورت چابک‌سازی دولت تأکید دارند، و تشکیل سازمان‌های جدید توسط قوه مجریه را صرفاً از طریق ادغام مجاز دانسته است، باید روشن شود این معاونت دقیقاً بر اساس چه قانون، مصوبه یا مجوزی ایجاد شده است. وی ادامه داد: در این خصوص، مکاتباتی با ریاست جمهوری انجام شده و به موازات آن از مسیرهای نظارتی نیز در پیگیری است و گزارش آن به دیوان محاسبات کشور نیز ارائه شده است. خضریان بیان کرد: در بررسی اسناد و اطلاعاتی که در دسترس عموم قرار دارد، آنچه به صورت آشکار مشاهده می‌شود، حکم رئیس جمهور درباره انتصاب آقای حسین زاده به سمت معاونت رئیس جمهور است؛ اما درباره مبنای مصوبه یا تصمیم قانونی ایجاد این ساختار، اطلاعات روشن و قابل دسترسی عمومی که بتوان بر اساس آن نحوه ایجاد این تشکیلات را ارزیابی کرد، مشاهده نشده است. کشورمان ساقط شدند که پهبادهای «لوکاس»، «هرمس»، «MQ-۹» و «MQ-۹۰» نیز در میان آن‌ها بوده‌اند. همچنین چند روز پیش، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از انهدام یک فروند شناور بدون سرنشین (شهاد) ارتش آمریکا در رودی تنگه راهبردی هرمز خبر داد.

ترور

عبدالحمید ترور مولوی گرگیج را محکوم نکرد

شهادت مظلومانه عالم مجاهد و انقلابی، مولوی یوسف گرگیج موحی از واکنش‌ها را در میان شخصیت‌های مختلف و مسئولان لشکری و کشوری به دنبال داشت. مولوی گرگیج امام جماعت اهل سنت مسجد محمد رسول‌الله شهرستان زاهدان شامگاه دوشنبه (۲۳ شهریور) توسط افراد مسلح ناشناس به شهادت رسید. پیکر این شهید روز گذشته با حضور گسترده مردم و علمای شیعه و سنی در زاهدان تشییع و در گلزار شهدای این شهر به خاک سپرده شد. در پی جنایت تروریست‌های تکفیری در به شهادت رساندن مولوی گرگیج که چهره‌ای موثر در وحدت شیعه و سنی بود، بسیاری از مسئولان ارشد کشور مانند رئیس مجلس شورای اسلامی، فرمانده کل سپاه و دیگر مسئولان پیام تسلیت صادر کردند با این حال سکوت و عدم موضع‌گیری عبدالحمید در خصوص شهادت یکی از عالمان سنی، انتقادبرانگیز شد. عبدالحمید همچنین پس از به شهادت رساندن ماموستا محمد نزهتی امام جمعه اهل سنت منطقه چپانه پیرانشهر نیز سکوت پیشه کرده بود. این در حالی است که این چهره پرحاشیه اخیراً برای فوت پدر نرگس محمدی از چهره‌های برانداز پیام تسلیت نوشته بود.



✓ تمجید رضایی از ۲۰۰ شب حضور تاریخ ساز ملت در سنگر خیابان



سرلشکر محسن رضایی نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی و دبیر شورای عالی امنیت ملی به مناسبت دویستمین روز حضور تاریخ ساز

ملت مبعوث شده ایران در سنگر خیابان، در پیامی نوشت: امروز دویست روز از تهاجم خارجی به میهن عزیزمان ایران می‌گذرد و شما، مردم عزیز و مبعوث شده ایران، در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر، برای حفظ میهن و سربلندی آن ایستادگی کرده‌اید. این دویست روز را نباید صرفاً در چارچوب یک رویداد امنیتی یا یک منازعه نظامی دید. این روزها و روزهای پیش رو بخشی از تاریخ پرافتخار ایران است؛ تاریخی که تفاوت این دوره با بسیاری از مقاطع دو قرن گذشته را آشکار کرده است. وی افزود: شما،

ملت شکست‌ناپذیر و قهرمان ایران، بارها دوگانه‌های موهوم را درهم شکسته و انسجام مثال‌زدنی خویش را به رخ جهانیان کشیده‌اید. امروز نیز بار دیگر، مهر بطلان بر دوگانه‌های موهوم خواهید زد. دبیر شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: امروز مهم‌ترین سرمایه امنیت ملی ایران، در کنار قدرت نظامی و ظرفیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک، ملتی است که در لحظه خطر، به چیزی جز میهن نمی‌اندیشد. وظیفه همه ماست که این سرمایه ملی را حفظ کنیم، تقویت کنیم و به پشتوانه‌ای پایدار برای امنیت، استقلال و اقتدار ایران تبدیل کنیم.

خبر کوتاه

وحیدی: ترور مولوی گرگیج نشانه شکست تروریست‌ها است

سرلشکر احمد وحیدی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیامی خطاب به خانواده مولوی شهید، یوسف گرگیج و مردم غیرتمند و نجیب سیستان و بلوچستان صادر کرد. در بخشی از این پیام آمده است: ترور ناجوانمردانه عالم جلیل‌القدر و مجاهد بصیر، مولوی یوسف گرگیج، توسط تروریست‌های مزدور، نشان روشنی بر استیصال آمریکا و رژیم صهیونی و دلیل آشکاری بر شکست آنان از مردم غیرتمند سیستان و بلوچستان است. شهادت این روحانی خستگی‌ناپذیر و وحدت‌آفرین را به مردم نجیب آن خطه پرافتخار تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و برای آن شهید سعید غفران و رضوان الهی و برای بازماندگان محترم صبرواجرالهی خواستارم.

طائب: در عرصه روایت باید رویکردی فعال و آفندی داشت

حجت‌الاسلام طائب رییس سازمان بسیج مستضعفین گفت: همان‌گونه که در جنگ نظامی نامتقارن تلاش می‌شود در برابر قدرت‌های بزرگ ایستادگی شود، در عرصه روایت نیز باید رویکردی فعال و آفندی داشت. هالیوود و جریان‌های قدرتمند رسانه‌ای، روایت‌های خاص خود را تولید و در مقیاس جهانی منتشر می‌کنند؛ بنابراین هنرمند ایرانی و هنرمند مقاومت نیز باید با استفاده از ابزارهای هنری، روایت خود را به مخاطبان جهان عرضه کند. وی افزود: هنرمند آزاده باید واقعیت جنگ، رنج مردم و آثار انسانی خشونت را ببیند و آن را با زبانی جهانی بازنمایی کند. حمله به مراکز غیرنظامی، مدارس و بیمارستان‌ها، تنها یک خبر نظامی نیست؛ بلکه واقعیتی است که باید در آثار هنری ثبت شود. پرسش بنیادین این است که اگر جنگی در جریان است، چرا کودکان، مدارس و مراکز درمانی باید هدف قرار گیرند؟

استقرار ۱۰ تیپ ارتش در سواحل مکران و دریای عمان

فرمانده نیروی زمینی ارتش تأکید کرد: هم‌اکنون یگان‌های نیروی زمینی ارتش عموماً در مرزهای کشور از شمال غرب، غرب، جنوب غرب، شمال شرق، شرق و جنوب شرق مستقر هستند و حدود ۱۰ تیپ ما نیز در سواحل مکران و دریای عمان حضور دارند. امیرجهانشاهی ادامه داد: همین استقرار و آمادگی رزم باعث شده که دشمن از عملیات زمینی منصرف شود و جرأت نکند دست به چنین اقدامی بزند.

آغاز آموزش هزارگردان جانفدا

سخنگوی پویش جانفدا گفت: طبق آمارهای اخذ شده از پویش جان فدا ۲۶ درصد از داوطلبان آماد شرکت در فعالیت نظامی امنیتی بودند و کار ساماندهی هزارگردان نظامی از هفته آینده آغاز می‌شود. ساسان زارع با تأکید بر اینکه آموزش‌ها کاملاً متناسب با نیازها و تهدیدات جنگ امروز طراحی شده است، اظهار داشت: سرفصل‌های آموزشی شامل تأمین امنیت محلی، آمادگی‌های عمومی جنگ، رصد، دیده‌بانی و اقدامات اطلاعاتی است. با توجه به تجربیات جنگ‌های اخیر و حضور وطن‌فروشان که نقاط اصابت را لو می‌دادند، بخش‌های امنیتی و اطلاعاتی بسیار کارساز خواهد بود. همچنین آموزش هدایت ریزپرنده‌ها که در عملیات‌های نظامی کاربرد دارد، امکان استفاده از سلاح‌های دوش‌پرتاب و همچنین آموزش‌های امدادی با شرایط جمعی در دستور کار است. وی خاطرنشان کرد: آموزش‌ها در سه سطح مقدماتی، تکمیلی و پیشرفته برگزار می‌شود و تمام پروتکل‌های نیروهای مسلح در آن رعایت خواهد شد. بستر آموزش، جامعه بسیج است و محتواها توسط سازمان بسیج تأیید و از ظرفیت آموزشی همه نیروهای مسلح استفاده می‌شود. همچنین برای تأمین امنیت محل‌های آموزشی آمادگی کامل وجود دارد.



می‌خواستند جنگ را به سویی سوق بدهند که پایان باز و محافظه‌کارانه داشته باشد، اما خیابان، اصرار بر تداوم خویش داشت. مردمان مؤمن، خسته و بی‌نشاط نشدند و در انتظار پایان نبودند و نیستند، بلکه برعکس، خواهان استمرار هستند. از این جهت، خویش را با میدان نظامی مقایسه می‌کنند و چون می‌بینند که نظامیان، همچنان سنگر نشین و ایستاده و انگشت بر ماشه هستند، اینان نیز می‌خواهند خیابان را آماده و مهیا نشان بدهند. جامعه می‌داند که جنگ، تنها در پهنه نظامی و بیرونی و مرزی نیست، بلکه طرح دشمن، درافکندن اغتشاش و آشوب داخلی در متن شهر است. در دی‌ماه

سال گذشته، جامعه به چشم خویش دید که اگر نیروهای اغتشاش‌گر، مجال بیابند، چه فاجعه‌هایی را رقم خواهند زد. از این رو، مانده‌اند تا شهری را امان بماند و توطئه درونی و شهری، جان تازه نگیرد. در نظر جامعه، تهدید مهلک و مخرب، همچنان در جریان است و تا وقتی این چنین است، باید حافظ خیابان بود و زمام و عنان آن را به دست گرفت. چه بسا غیبت در خیابان، ورق را برگرداند و انقلاب را با تگنا مواجه سازد. مردمان مبعوث، این چنین سرشار از «خودآگاهی انقلابی» شده‌اند و برای خویش، «مسئولیت تاریخی» تعریف کرده‌اند.

۳. حقیقت این است که اگر بعثت الهی رخ نمی‌داد و جامعه، برانگیخته و فعال نمی‌شد و در خیابان، حضور نمی‌یافت، انقلاب از دست می‌رفت. طرح اصلی دشمن، ترکیبی از جنگ بیرونی و جنگ شهری بود تا هم‌نشینی تهاجم نظامی و آشوب داخلی، همانند دلبه یک قیچی، انقلاب را دچار زوال و فروپاشی کند. اگر اجتماعات مؤمنانه شبانه در میان

مهدی جمشیدی
عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۱. برخی در ابتدا تصوّر می‌کردند که اجتماعات مؤمنانه شبانه، تنها به برهه جنگی، و آن‌هم شاید تنها به پاره‌ای از آن، تعلق خواهد داشت و دیری نخواهد پایید که خودبه‌خود، رقیق و ضعیف خواهد شد و زوال خواهد یافت. هر چند جنگ، هنوز به پایان نرسیده و ما همچنان در موقعیت جنگی به‌سر می‌بریم، اما توقف‌های گاه‌بی‌گاه آتش، می‌توانست سبب پایان یافتن اجتماعات مؤمنانه شبانه شود. با این حال، دویست شب از آغاز این اجتماعات می‌گذرد و خیابان، هنوز هم شاهد این سلوک جمعی شبانه است. مردمان مؤمن مبعوث، همچنان احساس می‌کنند که باید در سنگر خیابان، حضور داشته باشند و عرصه عمومی را رها نکنند؛ چون دشمن در کمین نشسته و در انتظار لحظه مساعد برای تهاجم و خدعه و توطئه است. این حس، در ذهن بسیاری از کنشگران انقلابی، حاضر و فعال است و وجدان انقلابی آنها را بیدار نگه داشته است. از این گذشته، داغ ازدست دادن رهبر شهید، کهنه و عادی نشده و جامعه، هنوز هم در درون خویش، گداخته و غضبناک و حماسی است و جز به انتقام قطعی، راضی نمی‌شود. در میان آنچه که گفته شد، بیش از همه، باید از اثر و حرارت «خون ولی الهی» سخن گفت و ماندن مردم در خیابان و تداوم اجتماعات را به آن نسبت داد. جامعه دینی، هم حزن و ماتم و سوگ دارد و هم حماسه و جنبش و جوشش. آن خون قدسی، نقش «مذکر نفوس» را ایفا کرد و طرح بعثت را رقم خورد. ۲. تاریخ انقلاب، همواره شاهد بعثت‌های الهی در جامعه بوده، ولی این بعثت، با همه آنچه که تاکنون دیده‌ایم، متفاوت است. چه بسا حتی در دهه شصت نیز، این همه شور و شوق و ایثار و ایمان، آن‌هم نه در میدان جنگ، بلکه در خیابان‌های شهرها، مشاهده نمی‌شد. امروز و اینجا، خیابان به میدان دژ تبدیل شده و از «تمنای انتقام» و «طلب مقاومت»، تهی نمی‌شود. دویست شب، سپری شده، اما خیابان تمام نشده است. حتی دست‌هایی در عرصه سیاست، در پی پایان بخشیدن به خیابان بودند؛ چون

جهش معاملات نفت با یوان؛ زنگ خطر تازه برای سلطه دلار



افزایش معاملات نفت با یوان در چین، نشانه‌ای از گسترش نقش پول ملی این کشور در بازار انرژی و تجارت بین‌المللی است. قرارداد آتی نفت خام چین موسوم به «SC» که از مارس ۲۰۱۸ در بورس بین‌المللی انرژی شانگهای راه‌اندازی شده، در هفته جاری به رکورد تاریخی جدیدی رسید. قیمت این قرارداد تا ۹۲۹.۴ یوان، معادل ۱۳۸.۵ دلار به ازای هر بشکه، افزایش یافت؛ رقمی که بالاترین سطح از زمان آغاز به کار این بازار محسوب می‌شود. این جهش در شرایطی اتفاق افتاده که بازار جهانی نفت با نگرانی‌های فزاینده درباره عرضه در خاورمیانه مواجه است.

اهمیت رکورد قرارداد نفتی چین صرفاً به افزایش قیمت آن محدود نمی‌شود. این معاملات در قالب

می‌تواند به تدریج بخشی از وابستگی تجارت انرژی به دلار را کاهش دهد. با این حال، رکورد اخیر به تنهایی به معنای تضعیف یا از دست رفتن جایگاه غالب دلار نیست. دلار همچنان ارز اصلی قیمت‌گذاری و تسویه بخش بزرگی از تجارت جهانی نفت و بازارهای مالی بین‌المللی است. با این وجود، رشد بازارهای کالایی چین و افزایش استفاده از یوان در معاملات انرژی نشان می‌دهد که ساختار پولی بازار نفت در حال متنوع‌تر شدن است. استمرار این روند، در صورت گسترش قراردادهای نفتی چین و افزایش پذیرش یوان میان صادرکنندگان و واردکنندگان انرژی، می‌تواند سهم بیشتری برای یوان در تجارت جهانی ایجاد کند و در بلندمدت، انحصار دلار در مبادلات انرژی را با چالش بیشتری مواجه سازد.

یوان انجام می‌شوند و توسعه آنها می‌تواند به افزایش استفاده از پول ملی چین در تجارت انرژی کمک کند. چین یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان و واردکنندگان نفت جهان است و افزایش خرید نفت خام توسط پالایشگاه‌های این کشور، در کنار نگرانی‌های مربوط به عرضه جهانی، تقاضا برای قراردادهای نفتی شانگهای را تقویت کرده است. قرارداد SC از نظر مشخصات نفتی، بیشتر با شاخص‌هایی مانند نفت عمان و مریان قابل مقایسه است. در همین هفته، هر دو نفت بالاتر از ۱۲۰ دلار معامله شدند و قرارداد تحویل نوامبر ۲۰۲۶ نفت مریان نیز با رشد ۰.۶۹ درصدی به ۱۲۸.۶۴ دلار در هر بشکه رسید.

از منظر پولی، گسترش بازار نفت مبتنی بر یوان

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:

خزانه پر است، اما گزارش‌ها را سیاه می‌کنند

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، با انتقاد از رویکرد بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز و تورم، می‌گوید افزایش نرخ ارز در ماه‌های اخیر ناشی از نوع نگاه سیاست‌گذار پولی به نرخ ارز و تورم است. به گفته او، در شرایطی که نرخ دلار از حدود ۱۳۵ هزار تومان در آغاز ریاست عبدالناصر همتی بر بانک مرکزی به محدوده ۲۳۰ هزار تومان رسیده، این تصور در بانک مرکزی وجود دارد که افزایش نرخ ارز متناسب با نرخ تورم، امری طبیعی است. زنگنه نبود راهبرد و برنامه و کاهش ریسک‌پذیری مدیران را از عوامل ضعف سیاست‌گذاری ارزی دانست. او با انتقاد از پمپاژ سیاه‌نمایی در کشور تأکید کرد که روایت‌های ارائه‌شده از وضعیت اقتصادی کشور لزوماً با واقعیت‌ها همخوانی ندارد و باید میان ضعف‌های واقعی و تصویری که از اقتصاد ارائه می‌شود، تمکیک قائل شد.

پیش‌بینی شده محقق شده است. درآمدهای مالیاتی از نظرسنجش اسمی حدود ۵۵ درصد افزایش داشته و از لحاظ درصدی ۰.۳ درصد بیشتر است؛ یعنی با اینکه برخی می‌گویند کارخانه‌های ما رازده‌اند و تولید در بعضی جاها کاهش پیدا کرده، اما سهم تحقق منابع مالیاتی نسبت به پنج ماه سال گذشته ۰.۳ درصد بیشتر بوده و تقریباً به حدود ۸۰۰ همت رسیده است؛ در حالی که پارسال در همین موقع حدود ۵۰۰ همت درآمد منابع داشتیم. عضو کمیسیون برنامه و بودجه اظهار کرد: آن‌قدر می‌گویند که به خاطر جنگ و تحریم‌ها، درآمد‌های ارزی کشور کم شده که این موضوع به بازار فشار وارد می‌کند. با یکی از وزرا جلسه‌ای داشتیم؛ به آن وزیر گفتیم بودجه (منابع) را از سازمان برنامه و بودجه بگیرید، اما پاسخ داد که «به ما که در همه جلسات حضور داریم گزارش می‌دهند که پول نداریم، اوضاع خیلی خراب است و غیره». اما به او گفتیم این طور نیست، اتفاقاً اطلاعاتی که ما داریم، اوضاع خیلی خوب است.

پمپاژ سیاه‌نمایی در کشور

وی افزود: یک جریانی در کشور هستند که اصولاً وظیفه‌شان ارائه گزارش‌های سیاه‌نمایی به مدیران ارشد کشور است. یک بار تقریباً چند ماه پیش توییتی زدم. در آن زمان نوشتیم که این‌ها متأسفانه دارد روی مسئولین پمپاژ می‌شود. یعنی مثلاً به رئیس‌جمهور حق بدهید، زیرا او از صبح تا شب با این‌ها جلسه دارد، اما نمی‌رود مثلاً با آن تولیدکننده‌ای که در همین شرایط تولیدش را دو برابر کرده جلسه داشته باشد. اما این‌ها از صبح تا شب فقط سیاه‌نمایی به سمت رئیس‌جمهور پمپاژ می‌کنند که «کشور اینجا کمبود دارد، اینجا ندارد، اینجا مسئله داریم». شما جای رئیس‌جمهور باشید و این‌ها مسائل را به شما می‌گویند. اما رئیس‌جمهور مثلاً یک روز صبح که با نظامی‌ها یا با نخبگان جلسه دارد، نوع حرف‌هایی که می‌زند متفاوت است، اما بعد از جلسه با سازمان برنامه و بودجه می‌گوید «ما نداریم، باید کمبود ایجاد کنیم و غیره». نماینده مجلس بیان کرد: باید بدانیم که هر مصاحبه‌ای، هر صحبتی، هر مقاله‌ای، بخشی از همان مقابله با جنگ شناختی دشمن است. ما در جلسات خصوصی‌مان اگر جایی ضعیف داریم، باید ترمیم کنیم، اما جلوی دوربین و مردم، باید روایت قدرت داشته باشیم.

باید کاری نکنیم؛ اتفاقاً وقتی به بانک مرکزی می‌روند، می‌گویند دلار باید ۲۶۰ هزار تومان باشد؛ فعلاً در ۲۳۰ هزار تومان تثبیتش کردیم. زنگنه گفت: همتی اکنون فاقد یک راهبرد به‌روز برای مدیریت اقتصاد کشور است؛ یعنی آنچه داشته ارائه کرده است. اصرار ما هم بر افرادی است که دیگر هیچ طرح نو و نوعی ندارند؛ و چون سن بالا می‌رود، عملاً قدرت ریسک هم کم می‌شود. یعنی وقتی بخواهید یک تغییر اساسی داده شود، قدرت ریسک اجرای آن پایین می‌آید. این نماینده مجلس بیان کرد: به نظرم دولت باید در سیاست‌هایش تجدید نظر کند. اگر سیاست‌ها ادامه یابد، قیمت ارز باز هم مانند وضعیت کنونی بالاتر خواهد رفت.

درس‌های اقتصاد روسیه پس از آغاز جنگ

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اظهار کرد: در اوکراین سال ۲۰۲۲ جنگ شروع می‌شود، طبیعی بود که ارزش روبل روسیه به شدت کاهش یابد و تورم به شدت افزایش پیدا کند، اما آنجا رئیس‌بانک مرکزی پرچم‌دار کنترل تورم می‌شود و کاری می‌کند که پول روسیه نسبت به قبل از جنگ ارزشش بیشتر می‌شود؛ به طوری که نایب‌رئیس مجلس روسیه در جلسه‌ای که با ما داشت، گفت حتی صادرکننده‌های ما نگران شدند که ارزش روبل خیلی بالا می‌رود و صادرات روسیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنگنه گفت: ما جنگی داشتیم، ۲۰ میلیارد دلار به ما خسارت وارد شد و بیشتر هم نبود و صادرات هم ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش داشت، اما در همین یک سال گذشته، یک سیلی می‌آید که خسارتش به مراتب چندین برابر جنگی است که به ما تحمیل شده است. هر نقطه عالم را که بگیرید، یک اتفاقی می‌افتد که جالب است اما آثار اقتصادی‌اش بیش از جنگ ما بوده است. نماینده مجلس بیان کرد: درآمدها در چهار ماه نخست امسال، ۸۵ درصد بودجه پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه سال ۱۴۰۵ محقق شده است. در چهار ماه اول، یک سوم بودجه باید محقق شود، اما از این میزان، ۸۵ درصد محقق شده است. سال گذشته در چهار ماه اول، ۵۷ درصد محقق شده بود. زنگنه گفت: در سال گذشته در پنج ماه ابتدایی، ۲۸ درصد درآمد‌های مالیاتی‌مان محقق شده بود. امسال در پنج ماه نخست، ۲۸.۳ درصد منابع



نیماسهیلی

روزنامه‌نگار

در حالی که کشور در هفته‌های گذشته با تلاطم‌های بی‌سابقه‌ای در بازار ارز و کاهش ارزش پول ملی دست‌به‌گریبان بوده است، عملکرد تیم اقتصادی دولت مسعود پزشکیان و به‌ویژه بانک مرکزی به ریاست عبدالناصر همتی در کانون انتقادات قرار گرفته است. بازگشت مجدد همتی به رأس نهاد پولی کشور در دی‌ماه ۱۴۰۴، با وعده‌هایی برای مهار تورم و تثبیت نرخ ارز همراه بود. او پس از اینکه ۱۰ دی‌ماه جایگزین محمدرضا فرزین در میرداماد شد، قول داد که در بازار ارز ثبات اقتصادی دولت مسعود پزشکیان و متفقاوت از این دوران ترسیم می‌کنند. نرخ دلار بازار آزاد که در زمان آغاز ریاست مجدد او بر بانک مرکزی حدود ۱۳۵ هزار تومان بود، در همان ماه اول با رشدی ۱۷.۷ درصدی به نزدیکی ۱۶۰ هزار تومان رسید و امروز، با گذشت ۲۶۰ روز از ریاست همتی، نرخ دلار حدود ۲۳۰ هزار تومان است که افزایش ۱۰۰ درصدی را در کمتر از ۹ ماه نشان می‌دهد. قیمت دلار در بازار آزاد روز ۱۹ شهریور به حدود ۱۳۵ هزار و ۵۰۰ تومان نیز رسید.

محسن زنگنه، اقتصاددان و عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، در این باره می‌گوید: ضعف در مدیریت بازار ارز ناشی از نبود اراده برای تغییر و ترس از ریسک‌پذیری در میان مدیران است. «او در یک گفت‌وگو، در خصوص رویکرد بانک مرکزی نسبت به تورم و نرخ ارز اظهار کرد: «وقتی تورم ۸۰ درصد است، بانک مرکزی اعتقادش این است که باید ارز در سال آینده ۸۰ درصد افزایش پیدا کند؛ یعنی اگر ابتدای سال دلار ۱۴۰ یا ۱۵۰ تومان بوده، این تکرار می‌گوید با تورم ۸۰ درصدی، نرخ ارز هم باید همین میزان اضافه و نزدیک ۲۶۰ هزار تومان شود؛ یعنی این افزایش از نظر بانک مرکزی طبیعی است. وی ادامه داد: یعنی فکر نکنید چون دلار شده ۲۳۰ تومان، مدیران بانک مرکزی دور میز می‌نشینند و همه ناراحت و نگران‌اند که

نبض اقتصاد

کالابرگ چقدر افزایش می‌یابد؟

وزیر امور اقتصادی و دارایی روز گذشته از افزایش حداقل ۳۰۰ هزار تومانی کالابرگ و ادامه بررسی‌ها برای تعیین دهک‌های مشمول خبر داد. سیدعلی مدنی‌زاده در خصوص آخرین تصمیمات دولت پیرامون میزان افزایش اعتبار کالابرگ گفت: ۳۰۰ هزار تومان، کف رقم افزایش کالابرگ است؛ البته هنوز جزئیات آن به‌طور کامل مشخص نشده و مباحث کارشناسی پیرامون آن در جریان است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا این افزایش ۳۰۰ هزار تومانی مشخصاً شامل ۶ دهک اول درآمدی خواهد شد یا خیر، تصریح کرد: کف افزایش همان ۳۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده، اما این که دقیقاً چه دهک‌هایی مشمول دریافت این اعتبار مضاعف شوند، هنوز مشخص و نهایی نشده است. فارس نیز نوشت: پیگیری‌ها از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که رقم افزایش اعتبار کالابرگ در حال بررسی است و این افزایش در بازه ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود. براین اساس، با نهایی شدن تصمیم دولت، اعتبار کالابرگ خانوارها نسبت به رقم فعلی افزایش خواهد یافت و جزئیات نهایی آن از سوی دولت اعلام می‌شود.

بازگشت ۸ میلیون دلار از اموال بانک دولتی به بیت‌المال

دادستان تهران از بازداشت متهم پرونده تلاش برای ربودن ۹.۵ میلیون دلار و استرداد ۸ میلیون دلار خبر داد و گفت: در خصوص شکایت یکی از بانک‌های دولتی که مدعی بود شخصی با احداث یک شرکت تحت عنوان تراستی در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس قصد ربودن مبلغی در حدود ۹.۵ میلیون دلار از طریق تتر را داشته است، با ورود به‌موقع دادستانی تهران و دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم رایانه‌ای، متهم بازداشت شد و اموال به بیت‌المال مسترد شد. علی صالحی افزود: پس از صدور دستورات لازم، اخذ گزارش ضابطان و جمع‌آوری ادله و مستندات، متهم جلب و با قرار بازداشت موقت، جهت تکمیل تحقیقات تحویل بازداشتگاه قانونی شد. او اضافه کرد: خوشبختانه با تدابیر انجام‌شده و اقدامات فوری دادستانی تهران، اموال بانک که متعلق به بیت‌المال است شناسایی و توقیف شد. طی جلسه‌ای که با حضور مسئولان بانک و ضابطان برگزار شد، تصمیمات لازم جهت استرداد اموال اتخاذ گردید که تاکنون منجر به بازگرداندن حدود ۸ میلیون دلار به بیت‌المال شده است. اموال شناسایی‌شده شامل حدود ۸ میلیون دلار به‌صورت نقد (رمزارز)، دلار، طلا و سایر ارزهای خارجی) بود که به بیت‌المال مسترد شد؛ مابقی اموال نیز شامل سه باب منزل خریداری‌شده توسط متهم به ارزش ۱.۵ میلیون دلار است که مراحل فروش و استرداد وجه آن در حال انجام است.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

اتحاد هرمز و باب‌المندب علیه اقتصاد امریکا

نُعد اقتصادی جنگ ایران و آمریکا اکنون به‌مراتب فعال‌تر از جنبه نظامی آن است. هرمز به‌عنوان مسیر اصلی صادرات نفت خلیج فارس و باب‌المندب به‌عنوان کلوگاه مهم تجارت دریایی، اکنون به نقاطی تبدیل

شده‌اند که نه‌تنها قیمت انرژی، بلکه سرنوشت سیاسی آمریکا را هم تعیین می‌کنند. نفت برنت سه‌شنبه اخیر با افزایشی ۳ دلاری به نزدیکی ۱۱۰ دلار رسید و نفت آمریکا نیز با جهشی ۴ دلاری از ۱۰۶ دلار فراتر رفت.



های هدایت زاده

روزنامه‌نگار

رویت‌ر هشداد داد که تداوم اختلال در صادرات عربستان و سایر تولیدکنندگان می‌تواند تا حدود ۴ درصد از عرضه جهانی نفت را در معرض خطر قرار دهد. گلدمن ساکس نیز هشداد داد که در صورت تداوم این اختلال‌ها، قیمت نفت برنت می‌تواند از ۱۲۰ دلار نیز عبور کند. اما مسئله فقط قیمت نفت خام نیست؛ نفت گران‌تر با فاصله زمانی کوتاهی اثر خود را بر قیمت بنزین، گازوئیل، سوخت هواپیما، هزینه حمل‌ونقل، تولید صنعتی و در نهایت مواد غذایی نشان می‌دهد. میانگین قیمت بنزین در آمریکا به ۴۰۳۶ دلار در هر گالن رسیده و شرایط گازوئیل حتی از این هم نگران‌کننده‌تر است؛ در حالی که تا پیش از هفته گذشته، قیمت هر گالن گازوئیل هیچ‌گاه به ۶ دلار نرسیده بود، اکنون از مرز ۶۰۳ دلار نیز فراتر رفته است. فشار انرژی تنها به آمریکا و بازار نفت و مشتقات آن محدود نمی‌شود. اروپا نیز طی هفته‌های اخیر با افزایش قیمت گاز طبیعی مواجه شده است. قراردادهای آتی گاز در هلند (TTF) در روزهای اخیر به بیش از ۸۳ یورو در هر مگاوات‌ساعت رسیده‌اند، در حالی که این رقم پیش از جنگ حدود ۳۰ یورو بود. بانک مرکزی اروپا نیز هشدار داده است که قیمت گاز و فراورده‌های نفتی از جمله گازوئیل، بالاتر از سطوحی قرار گرفته که در سناریوهای پیشین این بانک پیش‌بینی شده بود.

یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر، تغییر در محاسبات عربستان سعودی است. خط لوله شرق به غرب عربستان با طول حدود ۱۲۰۰ کیلومتر، در طول جنگ به مسیری حیاتی برای دور زدن تنگه هرمز تبدیل شده بود. اما پس از حمله پهپادی اخیر انصارالله این خط لوله از مدار خارج شده است. در چنین شرایطی، عربستان ناچار شده است بخشی از صادرات خود را دوباره از خلیج فارس و تنگه هرمز عبور دهد؛ یعنی همان مسیری که ریاض تلاش می‌کرد طی ماه‌های جنگ از تردد در آن فاصله بگیرد.

چین تقاضا را بالا کشید

در سوی دیگر، چین در ماه‌های آغازین جنگ ایران و آمریکا، از ذخایر عظیم نفتی خود برای مهار بخشی از این شوک استفاده کرد. چین طی سال‌های گذشته حجم درخور توجهی نفت در ذخایر تجاری و

راهبردی خود گردآوری کرده و برآوردها حجم کل این ذخایر را بین ۱ تا ۱۰۴ میلیارد بشکه تخمین می‌زند. با این حال، رویت‌ر به‌تازگی گزارش داده است که چین در ماه ژوئیه، پس از چند ماه کاهش واردات، دوباره به بازار بازگشته و روزانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه به ذخایر خود افزوده است. این رویداد اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا هنگامی که چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، در شرایط کمبود عرضه جهانی برای پر کردن مخازن خود وارد بازار می‌شود، عملاً تقاضا را بالا می‌برد و این مسئله به افزایش بیشتر قیمت جهانی نفت دامن می‌زند.

اوراق قرضه آمریکا؛

جبهه دوم جنگ اقتصادی

شوگ انرژی اکنون از بازار نفت به بازارهای مالی نیز سرایت کرده است. بازده اوراق ده‌ساله خزانه‌داری آمریکا در روزهای گذشته از ۵ درصد عبور کرد؛ سطحی بی‌سابقه از سال ۲۰۰۷ تاکنون که هزینه تأمین مالی دولت و بخش خصوصی آمریکا را سنگین‌تر کرده است. این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که بدهی دولت آمریکا از ۴۰ تریلیون دلار گذشته و نگرانی‌ها درباره کسری بودجه نیز تشدید شده است. اوضاع آمریکا نسبت به سایر کشورها پیچیده‌تر است. آمارهای وزارت خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد حجم اوراق خزانه‌داری در اختیار خریداران خارجی تا پیش از جنگ معادل ۹ تریلیون و ۴۸۹ میلیارد دلار بوده، اما در خرداد به ۹ تریلیون و ۲۹۹ میلیارد دلار رسیده که حاکی از افتی ۱۹۰ میلیارد دلاری است. این مسئله به معنای تسریع روند فروش اوراق خزانه‌داری درست در ماه‌هایی است که واشینگتن به دلیل جنگ با ایران و جهش هزینه‌های نظامی، بیش از هر زمان دیگری به تأمین مالی نیاز دارد.

گسترش پیامدهای اقتصادی جنگ خاورمیانه به دیگر نقاط جهان، اقتصادهای بزرگ آسیایی و اروپایی را ناچار به اتخاذ اقداماتی کرده که شرایط را برای آمریکا دشوارتر می‌کند. ژاپن پس از تضعیف ارزش ین در پی جنگ، دست به مداخله ارزی بی‌سابقه‌ای زد. بررسی داده‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد مانده اوراق بدهی آمریکا در اختیار ژاپن، از ۱۲۳۹۰۳ میلیارد دلار در مقطع پیش از جنگ به ۱۱۱۶۰۷ میلیارد دلار در خرداد کاهش یافته است؛ رقمی که از افت بیش از ۱۲۲ میلیارد دلاری این دارایی‌ها تنها ظرف ۴ ماه نخست جنگ حکایت دارد. علاوه بر این، آمارها حاکی از

آن است که چین نیز طی یک سال منتهی به پایان خرداد امسال، بیش از ۹۸ میلیارد دلار از اوراق قرضه آمریکا را واگذار کرده است. نکته قابل توجه این است که فشار فروش اوراق قرضه آمریکا از سوی چین پس از آغاز جنگ شدت گرفته است؛ به‌گونه‌ای که در چهار ماه پس از شروع جنگ حدود ۶۱ میلیارد دلار اوراق فروخته شده، در حالی که در هشت ماه پیش از آن این رقم تنها ۳۷ میلیارد دلار بوده است.

بازار فروشندگان اوراق خزانه‌داری ممکن است میزبان مهمانی ناخوانده نیز باشد؛ کانادا. تشدید تنش‌های تجاری میان اوتاوا و واشینگتن در روزهای اخیر به افت ارزش دلار کانادا منجر شده است. در صورت تداوم این روند، بعید نیست اوتاوا نیز همان راهبردی را در پیش بگیرد که پیش‌تر ژاپن آغاز کرده بود: فروش اوراق خزانه‌داری آمریکا. هرچند تاکنون نشانه‌ای رسمی از تمایل کانادا به انجام این کار دیده نشده، اما این اقدام می‌تواند به منزله سپری حفاظتی برای کانادا و در عین حال ضربه‌ای سنگین به اقتصاد آمریکا باشد. حفظ ارزش دلار کانادا و بازگشت سرمایه‌ها به این کشور، انگیزه‌هایی هستند که ممکن است مقامات کانادایی را به استفاده از این ابزار ترغیب کنند؛ رویدادی که در طرف مقابل، با جهش نرخ بهره اوراق قرضه، بحران مالی کاخ سفید را تعمیق خواهد کرد.

فدرال رزرو در برابر ترامپ

ملموس‌ترین پیامد این بحران برای خانواده‌های آمریکایی، در بازار مسکن نمایان شده است. میانگین نرخ وام مسکن ۳۰ ساله در شهریورماه به ۶٫۸ درصد رسید که بالاترین رقم در بیش از یک سال گذشته است. دلیل این جهش کاملاً مشخص است: نفت گران‌تر و تورم بالاتر، بازده اوراق و نرخ‌های بهره بلندمدت را بالا می‌برد و نرخ وام مسکن در آمریکا نیز پیوند مستقیمی با همین بازده بازار دارد. فدرال رزرو شب گذشته نرخ بهره سیاستی را با ۰٫۲۵ درصد (۲۵ واحد پایه) افزایش به ۴ درصد رساند؛ اقدامی که کاملاً در تضاد با خواسته‌های دونالد ترامپ بود. رئیس‌جمهور آمریکا بارها خواستار کاهش نرخ بهره شده بود، اما شوک انرژی و تورم ناشی از جنگ، فدرال رزرو را ناچار به اتخاذ سیاست پولی انقباضی ترک‌کرد. بدین ترتیب، جنگی که قرار بود موقعیت آمریکا را تحکیم کند، در داخل این کشور بحران بنزین، تورم، وام مسکن و نرخ بهره را رقم زده و اقتصاد این کشور را گامی دیگر به‌سوی رکود تورمی سوق داده است.

شوگ تنگه‌ها به قلب وال‌استریت

انصارالله اکنون باب‌المندب را به ابزار فشاری اقتصادی علیه ائتلاف مهاجم بدل کرده است. در این میان، نقش ایران در تنگه هرمز اهمیتی دوچندان یافته است. شیوه مواجهه ایران با رفت‌وآمدها در تنگه هرمز، به‌ویژه از اکنون تا روز انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، نقشی تعیین‌کننده در روند جنگ خواهد داشت. به باور بسیاری از تحلیل‌گران، اگر ایران همچنان اهرم تنگه هرمز را حفظ کند و فشار اقتصادی بر واشینگتن را ادامه دهد، احتمال شکست ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای افزایش خواهد یافت و با این شکست، بستر پایان جنگ مهیاتر می‌شود. در مقابل، اگر ایران این اهرم راهبردی را از دست بدهد، بخت پیروزی ترامپ در انتخابات پیش‌رو پرنگ‌تر خواهد شد و او با پشتوانه سیاسی بالاتری فشارهای نظامی و اقتصادی را در دو سال باقی‌مانده از دوره ریاست‌جمهوری‌اش علیه ایران پی خواهد گرفت. برای ترامپ، این پاشنه آشیل واقعی است؛ در صورت فرسایشی شدن جنگ، نفت گران، گازوئیل ۶ دلاری، بنزین بالای ۴ دلار، اوراق قرضه ۵ درصدی و وام مسکن ۷ درصدی همگی به بار سنگینی بردوش خانوار آمریکایی تبدیل می‌شوند که اثر مستقیم آن سر سفره و سبد معیشت شهروندان این کشور مشهود خواهد بود.

تالار شیشه‌ای

رشد شاخص بورس در جنگ خریداران و فروشندگان

بازار سهام در آخرین روز معاملاتی هفته (دیروز، چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵)، معاملات خود را با برتری محسوس تقاضا آغاز کرد. در دقایق نخست، حدود ۸۳ درصد از نمادها سبزپوش بودند و برتری خریداران، شاخص‌های بازار را به سطوح بالاتری رساند. با این حال، این روند پایدار نماند و در ادامه با افزایش ناگهانی عرضه‌ها، بخشی از رشد اولیه شاخص‌ها پس گرفته شد. فشار فروش در نیمه دوم معاملات به حدی رسید که در مقطعی تعداد صف‌های فروش از صف‌های خرید پیشی گرفت؛ هرچند در یک ساعت پایانی بار دیگر تقاضا تقویت شد و بخشی از فشار عرضه کاهش یافت. قدرت خرید در پایان معاملات منفی بود و سرانه فروش ۱۲۸ میلیون تومانی در برابر سرانه خرید ۹۸ میلیون تومانی قرار گرفت.

شاخص کل بورس در جریان معاملات دیروز ابتدا تا محدوده‌ای فراتر از سطح پایانی پیشروی کرد، اما با افزایش فروش‌ها بخشی از این رشد را از دست داد و در نهایت با افزایش ۳۵ هزار و ۶۷۹ واحدی (۰٫۴۷ درصد)، در ارتفاع ۷ میلیون و ۵۵۷ هزار و ۶۴۲ واحد ایستاد. در مقابل، شاخص کل هم‌وزن با افت ۱۰۳۲۲ واحدی (۰٫۰۷ درصد) به ۲ میلیون و ۱۶ هزار و ۱۷۴ واحد رسید. این واگرایی نشان می‌دهد رشد شاخص کل بیشتر تحت تأثیر سهام بزرگ بازار بوده و حرکت صعودی در همه نمادها یکسان نبوده است. در فرابورس نیز شاخص کل با کاهش ۲ واحدی (کمتر از ۰٫۰۱ درصد) به ۵۸ هزار و ۱۹۳ واحد رسید.

رکورد تاریخی ارزش معاملات خرد شکسته شد

در هفته جاری ۳۳ صنعت از مجموع ۴۱ صنعت بازار با رشد شاخص همراه شدند و میانگین رشد شاخص صنایع به ۴۰٫۳ درصد رسید. همچنین شاخص ۱۸ صنعت در این هفته بیش از ۵ درصد رشد کرد و شاخص ۱۸ صنعت نیز در آخرین روز معاملاتی هفته (دیروز) سقف تاریخی خود را جابه‌جا کرد. اما مهم‌ترین رکورد چهارشنبه در بخش معاملات خرد رقم خورد. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به حدود ۶۸ هزار و ۵۴۹ میلیارد تومان رسید که به‌عنوان بالاترین رکورد تاریخی ارزش معاملات خرد بازار ثبت شد. رکورد قبلی (۶۶ هزار میلیارد تومان) در ۱۸ مرداد امسال به ثبت رسیده بود. مجموع ارزش معاملات بورس و فرابورس نیز به حدود ۱۴۵ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام در محدوده ۲۵ هزار و ۸۴۳ همت قرار گرفت.

تداوم ورود پول حقیقی

جریان نقدینگی نیز در پایان روز به نفع سهام جریخ؛ حدود ۲۰۳ هزار میلیارد تومان ورود پول حقیقی در بخش سهام ثبت شد، در حالی که در مقابل، حدود ۷۶۰ میلیارد تومان از صندوق‌های سهامی خارج شد؛ هرچند صندوق‌های اهرمی موفق به جذب ۳۳۸ میلیارد تومان پول شدند. همچنین صندوق‌های درآمد ثابت ۱۰۱۴ هزار میلیارد تومان پول حقیقی را از دست دادند. در مجموع، معاملات روز گذشته را می‌توان بازاری مثبت اما همراه با افزایش احتیاط و عرضه دانست. رکورد ارزش معاملات و تداوم ورود پول حقیقی از حضور پرنگ نقدینگی حکایت دارد، اما افت شاخص هم‌وزن و افزایش عرضه‌ها نشان می‌دهد که پس از رشد سریع هفته اخیر، رویکرد انتخابی در بازار پرنگ‌تر شده است. با این حال، شاخص کل بورس در هفته جاری ۶٫۱ درصد رشد کرد و ارزش دلاری بازار نیز با افزایش ۸٫۳ درصدی به حدود ۱۰۸ میلیارد دلار رسید؛ بنابراین، بخشی از شتاب صعودی اخیر می‌تواند در معاملات شنبه آینده با افزایش عرضه‌ها و شناسایی سود تعدیل شود. هرچند در صورت تداوم ورود پول حقیقی و حفظ تقاضا در سهام بزرگ، امکان استمرار فضای مثبت وجود دارد، اما اگر فشار فروش در نمادهای کوچک و متوسط بالا بماند، واگرایی میان شاخص کل و هم‌وزن تداوم خواهد یافت. در نتیجه، معاملات شنبه بیش از روزهای صعودی اخیر، می‌تواند تحت تأثیر کشمکش میان نقدینگی تازه‌وارد و عرضه‌های ناشی از شناسایی سود قرار گیرد.

تصاویر تازه CBS و گزارش پنتاگون از ابعاد واقعی حملات ایران / نظامیان آمریکایی از ناتوانی در دفاع از مواضع خود در برابر حملات ایران می‌گویند

سیلی ایرانی

تصاویر تازه‌ای که شبکه آمریکایی CBS News از چند پایگاه نظامی این کشور در منطقه منتشر کرده، روایتی متفاوت از آن چیزی ارائه می‌دهد که افکار عمومی آمریکا طی ماه‌های جنگ از ترامپ و معاونانش شنیده است. تصاویری از هواپیماهای سوخته، ساختمان‌های ویران شده و تأسیسات نظامی آسیب‌دیده که در کنار گزارش رسمی بازرس کل وزارت دفاع آمریکا، ابعاد واقعی ضربات ایران را آشکارتر می‌کند. یک نظامی آمریکایی نیز اذعان کرده است که بخش مهمی از این خسارت‌ها به مردم آمریکا منتقل نشده است.

صدای نظامیان آمریکایی هم درآمد

ضربه ایران فقط به تجهیزات و رادارهای آمریکا خلاصه نشده است. گزارش رسمی آمریکا حکایت‌ها حدود هزار نیروی نظامی زخمی آمریکایی دارد. شاید مهم‌تر از همه، خود نظامیان آمریکایی تصویری از وضعیت ارائه می‌دهند که با ادبیات پیروزمندانه واشنگتن فاصله دارد. یکی از نیروهای مستقر در منطقه گفته است: «ما از این پایگاه‌ها دفاع نمی‌کنیم؛ فقط ایستاده‌ایم و نابود شدنشان را تماشا می‌کنیم.» در کنار خسارت‌های مستقیم، آمریکا با مشکل دیگری هم روبه‌روست. فشار بر ذخایر مهمات و زنجیره تأمین. گزارش بازرس کل وزارت دفاع از کمبود ذخایر مهمات در زنجیره تأمین سخن گفته و هزینه مهمات مصرف‌شده در فاصله ۲۸ فوریه تا ۳۰ ژوئن را حدود ۲۲ میلیارد دلار برآورد کرده است. هزینه کل جنگ در همین بازه نیز ۳۳ میلیارد دلار اعلام شده است.

فاصله روایت هالیوودی و میدان

این اعداد نشان می‌دهد مسئله صرفاً چند ساختمان تخریب‌شده یا چند هواپیمای از دست‌رفته نیست. حملات ایران، همزمان بر تجهیزات، پایگاه‌ها، توان شناسایی و فرماندهی، نیروی انسانی، مهمات و حتی شبکه لجستیکی آمریکا فشار وارد کرده است. خود سنتکام نیز از دشواری ایجاد پایگاه‌های دریایی و پشتیبانی و مشکلات دسترسی به بنادر برای تأمین ناوگان سخن گفته و انتقال پشتیبانی به دیه‌گوارسیار به دلیل فاصله زیاد و چرخه‌های ۱۴ تا ۱۸ روزه لجستیکی، چالش برانگیز دانسته است.

آنچه اکنون منتشر شده، بنابراین فقط مجموعه‌ای از عکس‌های تخریب‌شده نیست، شکافی است میان آنچه در میدان رخ داده و آنچه به افکار عمومی آمریکا گفته شده است. ضربه‌ای که واشنگتن ماه‌ها تلاش کرد در قاب رهگیری حملات نگه دارد، حالا از دل تصاویر خود آمریکایی‌ها و گزارش رسمی وزارت دفاع این کشور بیرون آمده است.

شناسایی و فرماندهی آمریکا در منطقه اثر بگذارد.

لیست بلند بالای خسارات

در کویت نیز تصاویر کمپ «بوهینگ» صحنه متفاوتی را نشان می‌دهد. ساختمان‌هایی که بخش‌هایی از آنها فرو ریخته، کانتینرها و خودروهایی که هدف قرار گرفته‌اند و تأسیساتی که در برابر حملات هوایی نتوانسته‌اند مصون بمانند. حتی دیوارهای بتنی موسوم به T-wall که برای حفاظت در برابر حملات زمینی و خمپاره‌ای ساخته شده بودند، در برابر حمله کارایی مورد انتظار را نداشته‌اند.

اهمیت ماجرا زمانی روشن‌تر می‌شود که این تصاویر را کنار گزارش رسمی بازرس کل وزارت دفاع آمریکا بگذاریم. این گزارش از خسارت تجهیزات به ارزش ۳۰۷ میلیارد دلار سخن می‌گوید و اعلام می‌کند حملات ایران به مواضع آمریکا در کویت، بحرین، قطر، امارات، عربستان، عراق، عمان و اردن خسارت وارد کرده است. صدها ساختمان و سازه نظامی نیز آسیب دیده یا نابود شده‌اند. فهرست تجهیزات آسیب‌دیده نیز تنها به یک پایگاه یا یک نوع سلاح محدود نمی‌شود. دست‌کم ۳۰ فروند پهپاد Reaper 9-MQ، چند جنگنده 15E-F، یک 10-A، هواپیماهای سوخت‌رسان 135-KC، یک Sentry 3-E، یک هواپیمای شناسایی 4C Triton-MQ و چند بالگرد در این گزارش آمده‌اند. گزارش همچنین از آسیب به یک فروند 35A-F خبر می‌دهد.

به موازات این خسارت‌ها، گزارشی از CNN نیز بُد اطلاعاتی حملات را برجسته کرده است. این شبکه مدعی شده ۱۴ ماهواره جاسوسی نظامی روسیه، دو روز پیش از حمله ۲۷ مارس ایران به پایگاه هوایی شاهزاده سلطان عربستان، از فراز این پایگاه عبور کرده‌اند. داده‌هایی که به گفته مقام‌های آمریکایی و منابع اطلاعاتی بین‌المللی، احتمالاً در اختیار تهران قرار گرفته و می‌توانسته در اجرای حملات دقیق علیه مواضع آمریکا نقش داشته باشد.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

ماه‌هاست که روایت رسمی واشنگتن از جنگ، بیشتر بر رهگیری موشک‌ها، دفع حملات و حفظ توان نظامی آمریکا در منطقه متمرکز بوده است اما حالا تصاویر منتشرشده از داخل پایگاه‌های آمریکایی، بخش دیگری از ماجرا را روی میز گذاشته است. بخشی که ظاهراً قرار نبوده افکار عمومی آمریکا به این زودی آن را ببیند.

CBS News با انتشار تصاویر اختصاصی که از نظامیان آمریکایی حاضر در منطقه دریافت کرده، از تخریب گسترده ساختمان‌ها و خودروها در چندین موضع نظامی آمریکا خبر داده است. منابع نظامی این تصاویر را در شرایطی در اختیار رسانه قرار داده‌اند که به دلیل محدودیت‌های شدید رسانه‌ای ارتش آمریکا، هویت آنها اعلام نشده است. یکی از همین نظامیان صراحتاً گفته است: «این خسارت بزرگی به پایگاه‌های ماست که به مردم آمریکا منتقل نشده است.»

اما شاید مهم‌ترین تصویر، مربوط به پایگاه هوایی «شاهزاده سلطان» در عربستان باشد. جایی که بخش عقبی یک فروند هواپیمای هشدار زود هنگام و کنترل هوابرد Sentry 3-E در اثر اصابت مستقیم منهدم شده و دم هواپیما از بدنه سوخته آن جدا شده است. این هواپیما صرفاً یک پرنده معمولی نیست. سامانه راداری چرخان نصب شده روی آن برای شناسایی تهدیدهای هوایی، جمع‌آوری اطلاعات و هماهنگی عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین آسیب به چنین هواپیمایی، فقط خسارت به یک قطعه تجهیزات نیست، بلکه می‌تواند بر توان

سربازان تماشایی!

ضربه ایران فقط به تجهیزات و رادارهای آمریکا خلاصه نشده است. گزارش رسمی آمریکا حکایت‌ها حدود هزار نیروی نظامی زخمی آمریکایی دارد.

اکنون مهم‌ترین نکته این است که مهم‌تر از همه، خود نظامیان آمریکایی تصویری از وضعیت ارائه می‌دهند که با ادبیات پیروزمندانه واشنگتن فاصله دارد. یکی از نیروهای مستقر در منطقه گفته است: «ما از این پایگاه‌ها دفاع نمی‌کنیم؛ فقط ایستاده‌ایم و نابود شدنشان را تماشا می‌کنیم.»

یادداشت

رأی سوم کنگره علیه ترامپ

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

واشنگتن این روزها با یک تناقض روبه‌روست و آن اینکه کاخ سفید همچنان از قدرت آمریکا و موفقیت فشار برای ایران می‌گوید، اما در همان پایتخت، مجلس نمایندگان برای سومین بار به محدود کردن اختیار رئیس‌جمهور برای ادامه جنگ رأی می‌دهد و حتی وزیر خزانه‌داری دولت ترامپ نیز در میانه ارائه گزارش اقتصادی، با اعتراض پیاپی حاضران مواجه می‌شود.

مجلس نمایندگان آمریکا سه شنبه شب با ۲۲۰ رأی موافق در برابر ۲۰۴ رأی مخالف، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که رئیس‌جمهور را به خارج کردن نیروهای آمریکایی از محاصره با ایران فرامی‌خواند. نکته مهم‌تر آنکه این بار هفت جمهوری خواه نیز برخلاف ترامپ به قطعنامه رأی دادند و سه جمهوری خواه برای نخستین بار به این جمع پیوستند. این سومین رأی مجلس در ماه‌های ژوئن، ژوئیه و سپتامبر برای محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ است. همزمان گزارش دفتر بودجه کنگره هزینه جنگ را تا اول اوت حدود ۳۸ میلیارد دلار اعلام کرده و برآورد کرده است ادامه درگیری می‌تواند ماهانه حدود ۳ میلیارد دلار دیگر هزینه روی دست آمریکا بگذارد. ذخایر موشک‌های رهگیر آمریکا نیز تحت فشار قرار گرفته و بازسازی آنها، بنا بر این گزارش، ممکن است دست‌کم پنج سال طول بکشد.

اسکات بسنت در جلسه کمیته خدمات مالی مجلس تلاش داشت تصویری از ثبات و قدرت اقتصادی دولت ترامپ ارائه کند. از رشد اقتصادی و بازار اوراق قرضه گرفته تا قدرت دلار و سیاست فشار اقتصادی علیه ایران. اما سخنان او بارها توسط معترضانی که خواستار پایان جنگ و تحریم‌های ایران بودند، قطع شد و بسنت مجبور شد سخنان افتتاحیه خود را متوقف و دوباره آغاز کند؛ معترضان نیز از سالن خارج شدند.

بسنت آمده بود درباره نظام مالی بین‌المللی سخن بگوید، اما جنگ ایران عملاً به یکی از محورهای اصلی جلسه تبدیل شد. نمایندگان درباره تورم، هزینه زندگی، بازارهای مالی و اقدامات اقتصادی علیه ایران از او سؤال کردند. بسنت نیز در همین جلسه از ادامه رایزنی با چین درباره ایران خبر داد و گفت قرار است با معاون نخست‌وزیر چین دیدار کند. نشانه‌ای از اینکه پرونده ایران، برخلاف ادبیات جنگ طلبانه، همچنان واشنگتن را به سمت مذاکره و رایزنی با قدرت‌های بزرگ سوق می‌دهد.

حالا سه رأی مجلس، اعتراض در جلسه وزیر خزانه‌داری، هزینه ۳۸ میلیارد دلاری و فشار بر ذخایر تسلیحاتی را باید کنار هم گذاشت. تصویر حاصل، تصویر جنگی است که در میدان نظامی پایان نیافته، اما در داخل آمریکا هر روز با صورت حساب تازه‌ای روبه‌رو می‌شود.

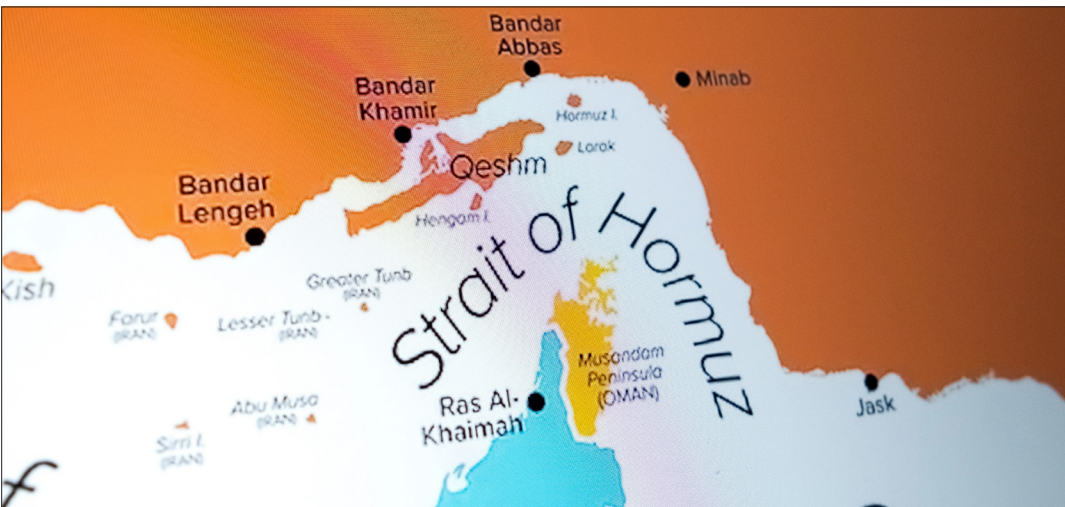
ترامپ همچنان از موفقیت راهبرد خود سخن می‌گوید اما در واشنگتن، رأی‌گیری‌ها و اعتراض‌ها نشان می‌دهند که ادامه این مسیر دیگر برای بخشی از ساختار سیاسی آمریکا مسئله‌ای ساده و بی‌هزینه نیست. جنگی که قرار بود چند هفته‌ای باشد، حالا به ماه هفتم رسیده و هرچه طولانی‌تر می‌شود، فاصله میان روایت رسمی کاخ سفید و فشارهای واقعی داخل آمریکا آشکارتر می‌شود.

چرا الگو برداری از ((تنگه مالاکا)) حاکمیت و امنیت ایران در تنگه هرمز را به مخاطره می اندازد؟

کشور را معطل پیشنهادهای عمان نکنید!

آیا طرح های پیشنهادی برای بین المللی سازی یا تعدیل سازوکارهای نظارتی در تنگه هرمز، راهکاری برای کاهش تنش و ارتقای همکاری

منطقه ای است، یا تله ای دیپلماتیک برای خلع ید تدریجی جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای اعمال حاکمیت بر شاهرگ انرژی جهان؟



سید مصطفی موسوی نژاد
فعال سیاسی

دارند و نه می توانند برنوع شناورهای عبوری محدودیت وضع کنند.

اعمال این مدل بر تنگه هرمز، به معنای بازگذاشتن دست ناوگان های نظامی و تجاری قدرت های متخاصم برای تردد بدون هیچ گونه پاسخگویی امنیتی به تهران خواهد بود.

هرمز مثل مالاکا نیست!

خطای دوم پیشنهاد عمان، نادیده گرفتن شکاف بنیادین میان محیط امنیتی هرمز و جنوب شرق آسیا است. کشورهای ساحلی مالاکا (سنکاپور، مالزی و اندونزی) به رغم پاره ای رقابت های مرزی، در یک موازنه سیاسی همگرا در قالب آسه آن (ASEAN) تنفس می کنند و بیش از نیم قرن است که هیچ تهاجم نظامی یا رویارویی دریایی مقیاس بزرگی را در این آبراه تجربه نکرده اند. در مقابل، تنگه هرمز کانون انفجاری ترین منازعات نیم قرن اخیر بوده است؛ از جنگ نفتکش ها در دهه ۱۳۶۰ تا تقابل های نامتقارن دریایی با ناوگان پنجم آمریکا، تروریسم اقتصادی، تحریم های یک جانبه غرب و ترورهای هدفمند در بستر منطقه.

حاکمیت ایران بر تنگه هرمز مؤلفه بقا، بازدارندگی و متوازن کننده تراز امنیتی کشور است. تنگه هرمز با عمق راهبردی آب های سرزمینی و فلات قاره ایران، مسیری است که روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و مایعات گازی از آن می گذرد که معادل حدود ۲۰ درصد مصرف جهانی نفت است. اگر ایران سازوکار اشراف اطلاعاتی، کنترل و حق نظارت حاکمیتی خود را با توجیه پیاده سازی سازوکار مالی و داوطلبانه مالاکا رها کند، در واقع اهرم اصلی موازنه استراتژیک خود را در برابر فشارهای فزاینده تحریمی و تهدیدات نظامی ایالات متحده و هم پیمانانش خلع سلاح کرده است. افزون بر این، تفکیک تنگه به دو مسیر مجزا (مسیر جنوبی در آب های عمان بدون نظارت و مسیر شمالی با نظارت ایران)، پروژه ای عیان برای دور زدن نظارت امنیتی جمهوری اسلامی، تغییر کانال های اصلی ترافیک دریایی و در نهایت انزوای ژئوپلیتیکی ایران در خلیج فارس است.

مسقط شریک راهبردی ایران یا آمریکا؟

نمی توان هم زمانی این طرح با تحولات پشت پرده دیپلماتیک را تصادفی تلقی کرد. داده های میدانی و شواهد سیاسی آشکار می سازد که عمان به موازات گفتگو

با ایران، امتیازها و توافق های محرمانه ای با واشنگتن تنظیم کرده تا پایگاه ها، خدمات بندری و تسهیلات عبوری را در خارج از حوزه دسترسی و اشراف نیروهای مسلح ایران در اختیار ائتلاف های تحت رهبری غرب قرار دهد. طراحی تفکیک کریدورهای تردد، دقیقاً در راستای همین دگرترین غربی است: «تأمین امنیت انرژی بدون نیاز به تعامل و اعطای امتیاز به ایران».

عمان با ارائه الگوی مالاکا در حقیقت می کوشد پوسته یک میانجی بی طرف را حفظ کند، اما در محتوا، رژیم امنیت آبراه را از یک الگوی بومی مبتنی بر اقتدار دولت ساحلی قدرتمند (ایران)، به سمت نظارت های فاقد قدرت بازدارندگی و باز کردن فضا برای حضور دائمی ناوگان خارجی هدایت نماید. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در سال های اخیر با فعال سازی «نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس» و پیشبرد مصوبات تقنینی در مجلس شورای اسلامی، عملاً فرایند اعمال مدیریت ملی، اشراف سامانه ای بر تردها و قاعده مند کردن عبور و مرور در چارچوب حقوق بین الملل و رویه های حاکمیتی خود را به سطحی بالاتر ارتقا داده است. عقب نشینی از این دستاورد میدانی و تبدیل حق حاکمیتی به یک صندوق داوطلبانه کمک مالی به سبک مالاکا، به منزله پاک کردن صورت مسئله حاکمیت ملی به بهای خشنودی محافل دیپلماتیک غربی است.

ضرورت عبور از ویترن مالاکا

الگوی تنگه مالاکا نه پاسخی به چالش های هزینه ای و ناوبری تنگه هرمز، بلکه تلاشی نرم برای خلع اقتدار حاکمیتی ایران و سلب اختیارات نظارتی آن بر تردد شناورهای بین المللی است. تبدیل رژیم بازدارندگی هرمز به سازوکار خیرخواهانه داوطلبانه، امنیت خطوط مواصلاتی کشور را در برابر تعرض بیگانگان به شدت آسیب پذیر خواهد کرد. دستگاه سیاست خارجی و ارکان تصمیم گیری کشور نباید فرایندهای ملی تثبیت مدیریت بر تنگه هرمز را معطل پالس های فرسایشی مسقط نگه دارند. هرگونه مذاکره دو جانبه یا چند جانبه جمه مسایگان حوزه خلیج فارس، از جمله عمان، تنها باید بر مدار یک اصل خدشه ناپذیر جریان یابد: «پذیرش تام و رسمی واقعیت مدیریت، نظارت امنیتی و حاکمیت یک جانبه جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز».

یادداشت

اعتراف اسرائیلی به یک شکست ژئوپلیتیک

پدرام حسینی
روزنامه نگار

کانال ۱۴ رژیم صهیونیستی در تحلیلی مدعی شده است: «تحولات یمن بار دیگر قدرت ایران و ضعف عربستان با آن همه ثروت را به نمایش گذاشت» و در ادامه از شکل گیری یک «حرکت گازانبیری» و به دست آمدن «اهرم قدرت دیگری به نام باب المندب» برای ایران سخن گفته است. همین ادبیات نشان می دهد مسئله از نگاه تل آویو صرفاً بحران یمن نیست؛ مسئله، ارزش راهبردی یک گلوگاه دریایی است.

باب المندب یکی از نقاط حساس زنجیره تجارت دریایی جهان است که حدود ۱۲ درصد کل حمل و نقل دریایی جهان و حدود ۳۰ درصد تجارت کانتینری دنیا را داراست و اهمیت آن زمانی بیشتر آشکار می شود که در کنار هرمز دیده شود. هر دو تنگه در مسیرهای مهم انتقال انرژی و تجارت بین المللی قرار دارند، اما نکته قابل توجه این است که در معادلات امنیتی منطقه، کشورهای ثروتمند عربی سرسپرده آمریکا و دوست اسرائیل لزوماً به همان اندازه ای که هزینه کرده اند، توان تبدیل منابع مالی به قدرت ژئوپلیتیک را نشان نداده اند.

نمونه روشن آن عربستان سعودی است. ریاض طی سال های گذشته میلیاردها دلار برای خرید تجهیزات نظامی و ایجاد ظرفیت های دفاعی هزینه کرده، اما تجربه یمن نشان داده است که برتری مالی و تسلیحاتی الزاماً به معنای توان تعیین کنندگی در یک بحران پیچیده نیست. فاصله میان «داشتن سلاح» و «توان اثرگذاری راهبردی» دقیقاً همان نقطه ای است که در تحلیل کانال ۱۴ مورد توجه قرار گرفته است و توضیح دهنده فرق ایران و عربستان است.

اهمیت دیگر این روایت اسرائیلی، اعتراف به تغییر وزن جغرافیای یمن است. یمن پیش از این برای بسیاری از پایتخت های عربی عمدتاً یک بحران سیاسی و امنیتی داخلی با تأثیرات کم منطقه ای تلقی می شد، اما اکنون موقعیت این کشور در مجاورت باب المندب باعث شده هر تحول امنیتی در آن، مستقیماً با تجارت جهانی، امنیت دریایی، انرژی و حتی محاسبات قدرت های بزرگ پیوند بخورد.

البته تعبیر «اهرم ایران» در گزارش کانال ۱۴ را نباید بدون قید و شرط پذیرفت. ایران مالک یا کنترل کننده باب المندب نیست و تحولات یمن نیز صرفاً با یک متغیر خارجی قابل توضیح نیست. اما آنچه این رسانه اسرائیلی به آن اذعان می کند، ظرفیت ایران برای اثرگذاری بر محیط پیرامونی از طریق موقعیت ژئوپلیتیکی و روابط منطقه ای است؛ ظرفیتی که نمی توان آن را صرفاً با معیارهای سنتی قدرت نظامی یا اقتصادی سنجید.

از این منظر، عبارت «حرکت گازانبیری» بیش از آنکه یک توصیف دقیق نظامی باشد، بازتاب نگرانی اسرائیل از قرار گرفتن چند گلوگاه و چند جبهه در محاسبات امنیتی آن است. اگر باب المندب و هرمز همزمان در محاسبات بحران وارد شوند، دامنه آثار یک رویارویی منطقه ای می تواند به تجارت و انرژی جهانی سرایت کند. بنابراین ثروت هنگفت عربستان به تنهایی نتوانسته برای ریاض قدرت ژئوپلیتیکی متناسب با هزینه هایش ایجاد کند و باب المندب به یکی از متغیرهای تعیین کننده محاسبات منطقه تبدیل شده است.



نه به مالاکا
پلاس

هر الگویی تحت عنوان مالاکا، مالاکا پلاس یا کریدورهای جایگزین تفکیکی که ذره ای از اشراف اطلاعاتی و صلاحیت کنترلی ایران بر این آبراه بکاهد، مصداق خطای راهبردی بوده و از پیش محکوم به رد است.

